

# اخلاق انتخاباتی رنگ باخت

پنجشنبه گذشته شهر نفس تازه ای کشید. از تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر دیگر خبری نبود. نوعی آرامش سطح شهر را فرا گرفته بود. ستادها به دلیل آن که اعضایشان تا صبح مشغول ریختن کارت و پوستر در سطح کوچه ها و خیابان ها بودند اکثرا بسته بودند. حیف از آن همه کاغذ که رنگ به رنگ و شکل به شکل چاپ شد و همزمان با توزیع راهی به جز ظرف آشغال پیدا نکرد.

ضربه زدن به سرمایه ملی چه معنی دارد؟ آیا ریختن پوسترهایی که با هزینه های آنچنانی چاپ و آماده توزیع شده در سطح کوچه ها و خیابان ها کبریت زدن به سرمایه و از بین بردن و نابود کردن و فنا کردن دسترنج ها نیست؟

قانون انتخابات حتما دارای اشکالاتی است که ما چنین صحنه هایی را شاهد می شویم. این یک طرف قضیه است و روی دیگر سکه امکان دارد چشم پوشی و سهل انگاری متولیان امر برگزاری و نظارت بر انتخابات نیز بر بروز چنین ناهنجاری هایی دامن بزند.

طرفداران و تبلیغ کنندگان کاندیداهای شورای شهر متاسفانه در رعایت اخلاق انتخاباتی و حق نامزد های دیگر، نمره کاملا مردودی دریافت کردند. محل هایی که برای نصب پوسترهایی تبلیغاتی داوطلبان راه یافتن به پارلمان محلی در نظر گرفته شده بود هر لحظه رنگی تازه و شکلی نو پیدا می کرد، چرا که هر کسی از راه می رسید توجهی به حق دیگران نداشت و عکس نامزد خود را در کمال پررویی بر روی عکس دیگر کاندیداها می چسباند و هیچ نامزد و مرجعی هم برای مقابله با چنین رفتار های چندش آور مقابله نمی کرد و حداقل طرفداران خود را برای رعایت حق دیگران توجیه نمی نمود.

راستی چگونه باید به نامزد هایی که در کم تر از ده روز فضای شهر را مورد حمله قرار دادند و تا می خواستند و می توانستند به آن ضربه زدند باید اعتماد کرد؟ آیا آنها به قصد خدمت به شهر و پایان دادن به نابسامانی های آن قدم پیش گذاشته بودند؟

آیا آنهایی که سید سید پول هزینه کردند تا به زور پول بتوانند یکی از کرسی های شهر را تصاحب نمایند مدعی خدمت بی منت باشند؟ تا زمانی که برای انتخابات شورا و تبلیغات آن چاره ای اساسی در نظر گرفته نشود هر چهار سال یک بار باید به تماشای چنین ناهنجاری ها و رفتارهای سبک و آزار دهنده بنشینیم.

در آخرین ساعات تبلیغات، طرفداران برخی از نامزدهای شورای شهر با خودروهایی که با پخش موزیک و سر و صدای شهرنشینان برای افراد

عادی مزاحمت ایجاد می کردند در سطح شهر راه افتاده و دسته دسته کارت و پوستر را در خیابان ها و گذرگاهها رها می کردند و به خیال خود به این وسیله در ساعات آخر شب می خواستند نامزد خود را به خیابان های خلوت و آسفالت کوچه ها تبلیغ نمایند و از آنها رای جمع آوری بکنند!

به نازم کاندیدهایی را که کم ترین آسیب را به چهره شهر زدند، تعداد این قبیل نامزدها هرچند کم ولی اقداشان فراموش نشدنی است. اگر مرجعی بتواند چنین افراد را شناسایی نماید بعد از پایان انتخابات و اعلام نتایج ، معرفی آنها می تواند برای دوره های بعد یک نوع فرهنگ سازی محسوب گردد.

در این میان باید به همت شهردار و مسؤولین شهرداری و بخصوص کارگران و رفتگران زحمتکش و باغیرت شهرداری درود بفرستیم که چوب بی توجهی و سرسپردگی دنیوی برخی را خوردند و زحمات بیشتری را متحمل شدند تا شاید بتوانند چهره شهر را به حالت ده روز قبل برسانند.